



امت اسلامی، چالشها و فرصتها

مولوی نذیر احمد سلامی^۱
(مذهب: حنفی، استان: سیستان و بلوچستان)

* چکیده

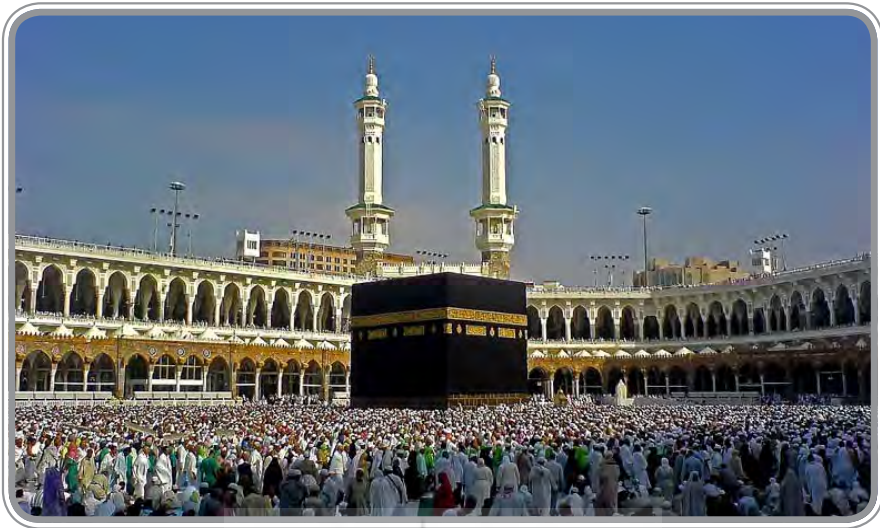
آگاهی از تهدیدها، چالشها، امکانات و فرصتها از ملزومات امت به حساب می‌آید. تهدیدها و چالشها باعث می‌شود که آحاد و اقشار امت ضرورت وحدت را بیشتر لمس نموده و گامهای عملی آن را با علاقه‌مندی تمام بردارند. همچنین آگاهی از فرصتها و امکانات، میزان توانمندی و توان مبارزه را تقویت نموده، زمینه را برای آمادگی لازم فراهم می‌سازد. با توجه به این دو عنصر ارزنده در تشکیل وحدت، قصد بر آن شد تحلیلی پیرامون تهدیدها و فرصتها جهت ایجاد هرچه بیشتر حس پیوستگی و هم‌گرایی ارائه گردد. اینک پس از سعی و تلاش فراوان و مطالعه منابع متعدد، فهرستی از تهدیدها و فرصتها تهیه نموده و تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: امت اسلامی، چالشها، فرصتها، امکانات.

* چالشها

(۱) تبشیر

تبشیر یک نهضت استعماری است که هدفش در ظاهر گسترش دیانت مسیحی است. حوزه فعالیتش بیشتر در جوامع فقیر، کم‌سواد، به ویژه در کشورهای جهان سوم است. اما برخلاف ظاهر، هدف بنیادین و پایه‌ای و پنهانش تثبیت سلطه و حاکمیت استعمار در این کشورها است. اظهارات آقای «زویمر» یکی از رهبران نهضت تبشیر، دلیل بارزی بر این مدعا است. او در یک کنفرانس تحت عنوان کنفرانس قدس در سال ۱۹۳۵م، خطاب



به جمعی از پیروان آیین مسیح چنین می‌گوید: «اما هدف تبشیر که دولتهای مسیحی در جهان در صد گسترش آن هستند، داخل کردن مسلمانان در دیانت مسیحی نیست؛ زیرا چنین اقدامی باعث کرامت و هدایت آنها (مسلمانان) می‌شود، بلکه هدف این است که مسلمانان از دیانت اسلام فاصله بگیرند تا به صورت ملتی درآیند که ارتباطشان با الله قطع گردد و در نتیجه از هرگونه اخلاق حمیده که مورد اعتماد آنهاست، عاری باشند» (حبنکه میدانی، ۱۹۳۵م). یکی دیگر از عمده اهداف مبشران از بین بردن وحدت مسلمانان است.

مسیحی معروف لورانس براون چنین می‌گوید: «هرگاه مسلمانان به صورت یک امپراطوری بزرگ متحد شوند، ممکن است برای عالم مسیحیت یک خطر بزرگ و عذاب علیم باشند، اما اگر آنها جدا از هم و متفرق باقی بمانند، بی‌ارزش بوده و تأثیرگذار نخواهند بود» (خالد، ص ۳۷).

نویسنده مزبور در ادامه سخنانش چنین اظهار می‌دارد: «سعی و تلاش برای ساقط کردن خلافت اسلامی به منظور از بین بردن پایه‌های وحدت اسلامی و زمینه‌های پیوند مسلمانان و ارتباط آنان بوده است. همچنین ایجاد فاصله میان قرآن و مسلمانان نیز مد

نظر بوده است؛ زیرا قرآن مستحکم‌ترین پیوند فرهنگی و دینی میان مسلمانان است» (همان). لازم به یادآوری است، بنابر اطلاعات موثق، حدود ۲۰ میلیون کشیش و رجال کلیسا در حال حاضر مشغول به تبلیغ آیین مسیحیت هستند.

۲) استشراق

استشراق یا خاورشناسی عبارت از تحقیقات و پژوهشهایی است که غیر شرقیها پیرامون علوم، لغات، ادیان، تاریخ و اوضاع اجتماعی شرقیها انجام می‌دهند. این نهضت زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که سپاهیان اسلام درهای فتح و پیروزی اروپا را باز کردند، آنگاه اروپاییها در صدد کشف علل و اسباب پیروزی و دستیابی مسلمانان به این مجد و عظمت برآمدند.

دنیای غرب در قرن ۱۸ میلادی در صدد استعمار جهان اسلام و سلطه بر مقدرات آن برآمد و حرکت آن گسترش پیدا کرد و در نتیجه مراکز و عرصه‌های اختصاصی متعددی پیرامون تحقیقات در کشورهای غربی به وجود آمد. این مراکز تحقیقی موجب غارت و چپاول بسیاری از مخطوطات عرب در کشورهای اسلامی گردید. این سرمایه علمی و فرهنگی جهان اسلام و عرب به صورت غارت، خریداری و سرقت از کتابخانه‌های عمومی جهان اسلام به جهان غرب منتقل گردید و براساس اطلاعات به دست آمده، تعداد این مخطوطات در قرن ۱۹ میلادی متجاوز از ۲۵۰/۱۷ هزار نسخه بود. متأسفانه این آمار روز به روز بیشتر می‌شود. انگیزه‌های خاورشناسان را می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود: دینی، سیاسی، اقتصادی و استعماری.

۳) علمانیت یا سکولاریسم

سکولاریسم بسیار تعریف شده است، اما به نظر نگارنده، جامع‌ترین تعریف آن است که دایرة المعارف بریتانیا بدان اشاره نموده است: «سکولاریسم نوعی حرکت اجتماعی است که هدفش منصرف کردن مردم از توجه به دین و ایمان و روی آوردن به حیات دنیوی و مادی است.»

مهم‌ترین هدف سکولاریسم انکار تأثیر دین در زندگی و انفصال آن از کلیه عرصه‌های نظام اجتماعی است، به گونه‌ای که دین کمترین نقشی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و قانونی نداشته باشد و همه این عرصه‌ها از ضوابط و رنگ و بوی دینی و امر و نهی آن عاری باشند. در رد این دیدگاه فقط به چند سطر اکتفا و بنابر قاعده «العاقل تکفیه الاشارة»، از ارائه پاسخ تفصیلی که این نوشتار در صدد آن نیست، خودداری می‌شود.

اسلام از میان ادیان، اجتماعی‌ترین دین شمرده می‌شود. تمامیت اعتقادی آن جز در جماعت تحقق نمی‌یابد. از میان اساسی‌ترین احکام آن شاید فقط روزه است که می‌تواند عبادتی کاملاً فردی به شمار آید. کمال نماز مشروط به برگزار کردن آن به جماعت است. حج، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر بیرون از جماعت نامفهوم می‌گردند.

مبدأ تاریخ اسلام؛ یعنی هجرت پیامبر(ص) به یثرب، سرآغاز تأسیس دولت و حکومت اسلامی است و بدین ترتیب اسلام پیش از پایان تبیین نظری خود، در نیمه دوم عصر رسالت وارد عرصه عمل و به عبارتی وارد مقوله حکومت و سیاست گردید. از میان ۶۶۰ هزار و اندی آیه‌های قرآن، ۵۰۰ آیه مربوط به احکام است و آن نیز احکامی هستند که اکثر آنها در قالب جماعت کمال می‌یابند؛ بقیه آیات مربوط به امور جمعی و معاملات می‌باشند، بنابراین با قطع می‌توان ادعا نمود که سکولاریسم نه اینکه با اسلام سنخیتی ندارد، بلکه به تمام معنی با اسلام در تضاد می‌باشد.

۴) عولمه یا جهانی سازی

تعاریف متعددی از عولمه یا جهانی سازی ارائه شده است، به طور خلاصه می‌توان عولمه را چنین تعریف کرد: «عولمه عبارت است از یک سیستم جهانی جدید که مبتنی بر ایجادات، اختراعات علمی و انقلاب اطلاعاتی است. به گونه‌ای که حجابها و موانع را از پیش روی ملتها برداشته و جهان را به دهکده‌ای تبدیل کرده است». بسیاری بدین باورند که جهانی شدن پدیده جدیدی نیست، بلکه دو تا عولمه وجود دارد: قدیم و جدید.

عولمه جدید در قرن ۱۸ میلادی هم‌زمان با انقلاب صنعتی به وجود آمده است و

توانسته با کثرت تولیدات صنعتی نقشه‌اش را پیدا کند و اروپا را وادارد تا برای تأمین مواد خام و ارزان قیمت، بر مناطق جدیدی مسلط شود. بنابراین به وجود آمدن مستعمرات در آسیا و آفریقا در راستای تأمین خواسته‌های کشورهای استعمارگر جهت تحقق قدرت اقتصادی بیشتر بوده است. این امر کشورهای کوچک و مستعمره را مجبور ساخته است تا در اقتصاد کشورهای بزرگ و صنعتی داخل شده و در آنها هضم شوند.

تحقق عولمه جدید مبنی بر رسانه و ابزارهای جدا از اشغال نظامی است و پایه‌های آن بر تجارت آزاد بین‌المللی و رقابت در عرصه‌های متعدد و مسابقه دولتها و حکومتها برای رسیدن به آن است.

* نقد کوتاهی بر عولمه

عولمه و جهانی‌سازی هرچند که در شعار و برحسب ظاهر تضاد چندانی با مبانی اسلامی ندارد، چون در صدد است که جهانی‌بیاندیشد و جهانی‌فکر کند، لیکن به دو جهت با آموزه‌های اسلامی هماهنگی ندارد:

اول اینکه عولمه در قالب شعارهای عالمی و فراگیرش در صدد است تا هویت و تشخیص سایر امم را کم‌رنگ نموده و در سایه یکسان‌سازی در سنن، آداب، رسوم حتی در شیوه عبادت و رابطه با خداوند، تفاوتها را از بین ببرد. بی‌تردید از بین بردن وجه تمایز و برجستگیهای ملی، اعتقادی و فرهنگی برای هیچ ملتی قابل قبول نیست. حتی ضعیف‌ترین نحلها و فرقه‌های مذهبی تا سر حد جان و آخرین قطره خون آماده هستند که از مشخصات سجلی، فردی و جمعی خود دفاع کنند.

دوم اینکه اسلام از همان آغاز نزول خود جهانی بوده و اغلب خطاباتش با واژه جهانی و فراگیر «یا ایها الناس» وارد شده‌اند. پیام قرآن برای همه مردم جهان تا قیامت می‌باشد، این تنها ادعا نیست، آیه‌های قرآن در عین حالی که ارائه دهنده آموزه‌ها و رهنمودهای ثابت و لایتغیری هستند، ولی از چنان انعطاف و توانی برخوردارند که می‌توانند در هر فضا مصداق پیدا نموده و در هر شرایطی کاربرد داشته باشند. علاوه

بر این پیامبر گرامی اسلام هادی و رهبر همه مردم جهان است. قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبأ، ۲۸).

البته پیام اسلام و دین برای تأمین سعادت دین و دنیای انسانها متوجه همگان است و جذبه فراگیری و جهانی دارد، اما استکبار به دلیل اهداف توسعه طلبانه و سلطه بر همه عالم شعار جهانی سازی را سر می‌دهد و برای اشباع مطامع خویش و چاپیدن سرمایه ملل و امم تازه از خواب غفلت بیدار شده، به چنین فکری می‌اندیشد، غافل از اینکه اسلام در بدو تولد خود بشریت را به چنین سعادت‌ی مژده داده است (تحدیّات الثقافه الاسلامیه).

۵) تهاجم فرهنگی

منظور از تهاجم فرهنگی، تهاجمی است که هدفش کشاندن زندگی مسلمانان به شیوه و رنگ و بوی غربیها و تقلید از فرهنگ و تمدن غرب است. تهاجم فرهنگی و عولمه هردو امنیت فرهنگی و تمایز ملی مسلمانان را به شدت تهدید نموده و سلامت آن را به مخاطره انداخته است.

امنیت فرهنگی، ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگیهای خاص خود در مقابل تغییر شرایط و تهدیدات مادی و معنوی است و به عبارتی روشن‌تر، تعریف امنیت فرهنگی شامل بقایای الگوی سنتی، زبانی، فرهنگی، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی با اجازه دادن به تغییرات قابل قبول است.

موج دوم تهدیدات در عرصه امنیت ملی و فرهنگی، ناشی از جهانی شدن و یکسان سازی رو به تزاید ارزشها و نحوه زندگی است. در نتیجه این امر، حفظ راه و روش زندگی خاص ملی با نظام حکومتی متمایز به طور فزاینده‌ای مشکل‌تر می‌شود؛ زیرا یکسان سازی ارزشها و رفتارهای فرهنگی در قالب فرهنگ یا فرهنگهایی مسلط می‌شود که نه تنها می‌تواند با هویت فرهنگی ملتی همسو نبوده و آن را تقویت نکنند، بلکه به خصوص در مورد فرهنگ دینی، فرهنگ مسلط جهانی ممکن است در جایگاه فرهنگ مهاجم

قرار گرفته و از طریق تغییر چهارچوبهای ارزش یا الگوها و رفتار فرهنگی به تخریب و تضعیف هویت ملی فرهنگی پردازند.

عوامل ذیل از جمله تهدیدهای جدی هستند، لیکن از جهت اینکه مفهوم و تبعات منفی و مخرب آنها برای همگان روشن و نیازی به بیان مصادیق ندارد، بنابراین به بیان فهرست وار اکتفا می‌شود:

۶) جمهوریت

۷) حقوق بشر

۸) افراطی‌گری

۹) مورد نهم البته خطری محتمل و پنهان است، اما اگر اتفاق بیافتد می‌تواند تمام جهان اسلام به ویژه کشورهای نفت خیز اسلامی خاورمیانه را به ورطه نابودی کامل بکشاند و آن عبارت است از اینکه: بسیاری از مفسران و تحلیلگران سیاسی - اجتماعی بر این باورند که جنگ جهانی اول به منظور فروپاشی امپراطوری کهن و به گونه ویژه‌ای امپراطوری عثمانی رقم خورد و دومین جنگ جهانی برای رویارویی با فاشیسم شکل گرفته بود، سپس سومین جنگ جهانی که از آن به جنگ سرد تعبیر می‌گردد، پی‌ریزی گشت که منجر به فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم گردید که رهبری آن را اتحاد جماهیر شوروی بر عهده داشت. به همین گونه این باور وجود دارد که جنگ آینده به دلیل برخورداری کشورهای عربی و اسلامی از موقعیت استراتژیک و منابع طبیعی که نفت ارزشمندترین آنها است، علیه این بخش از جهان شکل خواهد گرفت و گذشته از به خطر افکندن امنیت میهن و سرزمین کشورهای مزبور، هویت‌های فرهنگی و تمدنی آنان را نیز به چالش خواهد کشید (بروجردی، ص ۵۱).

* فرصتها و امکانات

۱) امکانات معنوی

منظور از امکانات معنوی سرمایه ارزشمند ایمان به خداوند و کتاب عظیم آسمانی قرآن مجید است. مسلمانان قرن اول با اتکال به ایمان به خدای لایزال و کتاب او، قرآن

مجید، توانستند در کوتاه‌ترین مدت ممکن بخش عظیمی از جغرافیای جهان را فتح نموده و دو ابرقدرت آن روزگار را به زانو درآورند. امت اسلامی این سرمایه پرافتخار را امروز نیز در اختیار دارد، لیکن متأسفانه بهره لازم را از آموزه‌های ارزنده آن نمی‌برد؛ یعنی در پیروی از رهنمودهایش جدی نیست.

۲) امکانات مادی

منظور از امکانات مادی منابع روی زمینی و زیرزمینی می‌باشند که به شرح زیر بدانها پرداخته می‌شود:

الف) نفت: گفته می‌شود خداوند متعال دوبار با مسلمانان و اعراب سخن گفته است. یک بار از طریق قرآن و بار دوم از طریق نفت. برای اینکه بتوان نفت را منبع خیر و برکت ساخت و آن را تبدیل به ابزار نفرت و انزجار نمود، لازم است گفتمان ریشه‌دار و استراتژیکی، بین دو جهان ایران و اعراب رقم بخورد تا بتوان به یک استراتژی تکامل یافته، بی‌عیب و نقص که بر مبنای نقش نفت در تحقق توسعه فراگیر داخلی و تأمین امنیت ملی منطقه‌ای شکل گرفته باشد، دست یافت (همان).

بنابر آمار و ارقام موثق یک دهه پیش، ۴۰ درصد نفت صادراتی و ۷۵ درصد ذخایر نفت کشف شده در جهان در اختیار کشورهای اسلامی است. همچنین بنابر آمار مسلم دیگری، کل ذخایر کشف شده نفت جهان برابر با ۱۲۵۸ میلیارد بشکه می‌باشد که بیش از یک دوم آن؛ یعنی ۷۱۶ میلیارد بشکه آن تنها در اختیار پنج کشور عربی - اسلامی خاورمیانه قرار دارد؛ یعنی کویت، عربستان، عراق، امارات متحده و ایران (همان).

ب) گاز: خلیج فارس طبق آمار ۱۰ سال پیش ۳۱ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی و به عبارتی دیگر ۳۰ درصد ذخایر گاز شناخته شده را در اختیار دارد. در بین کشورهای جهان که بیشترین ذخیره گاز جهان را در اختیار دارند، دو کشور اسلامی ایران و قطر نیز حضور دارند.

ج) جمعیت: امت اسلامی و کشورهای اسلامی بیش از یک میلیارد و نیم مسلمان را به خود اختصاص داده‌اند؛ یعنی بعد از مسیحیت، بیشترین جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. جهان مسیحیت هرچند از مسلمانان بیشتر هستند، لیکن منشور غنی و کاملی مانند قرآن در اختیار ندارند. آموزه‌های حضرت مسیح(ع) از چنین جامعیتی که اسلام برخوردار است، برخوردار نیستند. از ابعاد زندگی صرفاً به یک بعد، یعنی بعد اخلاقی تأکید دارد.

د) پیوستگی جغرافیایی: جهان اسلام از پیوستگی جغرافیایی بسیار ارزشمندی برخوردار است. از اندونزی گرفته تا مراکش، کشورهای اسلامی مانند حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوسته هستند. فقط دو کشور غیراسلامی؛ یعنی هندوستان و میانمار در این وسط حائل‌اند. این پیوستگی یک ژئوپولیتیک بسیار با ارزشی را در اختیار جهان اسلام قرار می‌دهد.

علاوه بر این پیوستگی جغرافیایی و ژئوپولیتیک استراتژیکی، جهان اسلام ۳۱ کیلومتر مربع از اراضی قابل سکونت و کشت و زرع را در اختیار دارد؛ یعنی ۲۲ درصد کل کره خشکی زمین و حدود سه برابر قاره اروپا (صفوی، صص ۱۰۴ و ۱۰۵).

جهان اسلام از دیدگاه ژئواستراتژیک همچنان دارای امکانات عظیمی است. بر راههای کشتیرانی بین‌المللی و مهم‌ترین آبراهها و تنگه‌ها تسلط و اشراف دارد. اجمالاً از موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و نظامی متمایزی برخوردار است. ولی کاربرد جهان اسلام از کار افتاده است، از ناتوانی اقتصادی، ضعف نظامی و فقر فرهنگی رنج می‌برد. معلوم است که مشکلات بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی، راه‌حلهای بزرگ می‌طلبد.

ایران و جهان اسلام و عرب از سه موقعیت بسیار مهمی در درون منظومه راهبردی جهان برخوردارند که این امر درست سه دلیل دارد. موقعیت جغرافیایی، نفت و اسرائیل. جهان عرب و ایران در قلب راههای تجارت و ارتباطات جهانی واقع‌اند. هردو مبادی ورودی سه قاره جهان: جنوب اروپا، شمال آفریقا و شرق آسیا را تحت کنترل خود دارند. آنها با همدیگر نزدیک ۴۰ درصد از مجموع تولیدات جهانی نفت را تولید می‌کنند و هردو تقریباً ۷۲ درصد از مجموع ذخایر قطعی نفت جهان، این کالای راهبردی بسیار مهم در

سطوح سیاسی و اقتصادی را در اختیار دارند (بروجردی، ص ۱۸۶).

ها) تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی: تنگه‌های بسیار با ارزشی در محدوده جغرافیایی جهان اسلام قرار دارد، مانند: تنگه هرمز، کانال سوئز، باب المندب و تنگه مالاکا که روزگاری جزء مالزی بوده است. این تنگه‌ها که به نحوی به کشورهای اسلامی مربوط می‌شوند، خود نقش بزرگی را در ارتباط شرق و غرب جهان امروز بر عهده دارند، تنگه مالاکا که رابطه میان دو اقیانوس را برقرار می‌کند، جزئی از کشور اسلامی مالزی به شمار می‌رفته است. تنگه باب المندب خط سیر بزرگ‌ترین کشتیهای تجاری شرق و غرب در اقیانوس هند و دریای سرخ است. تنگه‌های مابین جزایر اندونزی هرکدام به تناسب موقعیتشان دارای نقشی حساس هستند.

کانال سوئز، اقیانوس هند را به دریای مدیترانه وصل می‌کند، تنگه جبل الطارق مدیترانه را به اقیانوس اطلس وصل می‌کند و همچنین تنگه هرمز و سایر مناطق سوق الجیشی در جهان اسلام همگی حاکی از موقعیت راهبردی کشورهای اسلامی است (صفوی، ص ۱۰۵).
 در یک نقل تاریخی این نکته قابل توجه است که ناپلئون بناپارت، گفته بود: «این تنگه اگر به مدت شش ساعت در اختیار ما قرار بگیرد، جهان از آن ما خواهد بود». با توجه به امکانات مادی، معنوی، منابع زیرزمینی و روی زمینی که شرح کوتاهی از آن در سطور بالا تقدیم خوانندگان گرامی گردید، اگر امت اسلامی با یک استراتژیک منظم، منسجم، حساب شده و در سایه یک خرد جمعی آنها را مورد استفاده قرار می‌داد و در کنار این استراتژی، با اخلاص تمام و با اندیشیدن به منافع جمعی در صدد حل اختلافات منطقه‌ای، ارضی، سیاسی و اعتقادی گام برمی‌داشت، با قطع می‌توان گفت: می‌تواند تهدیدها را به فرصت تبدیل نماید و از وضع فعلی بیرون بیاید.

* بیداری اسلامی

بیداری اسلامی که در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به وجود آمده است، بهترین فرصت برای امت اسلامی و مایه مباهات است، اما غفلت از توطئه

استکبار و دشمنان امت اسلامی می‌تواند زمینه مصادره و تصاحب این بیداری را توسط لیبرالها و غرب‌زدگان فراهم سازد، بنابراین رهبران دینی در این کشورها باید مواظب بوده و حساب شده حرکت کنند و سعی کنند زمام بیداری و انقلاب را به افرادی بسپارند که کفایت لازم رهبری را داشته باشند، در غیر این صورت بعید نیست که اجانب و گماشتگان شرق و غرب مبادرت به مصادره این فرصت به دست آمده نموده و جریان بیداری را به سود استکبار سوق دهند.

در پایان این نکته را یادآور می‌شود: ممکن است کشورهای اسلامی موضوعات مختلف فیه داشته باشند که گذشتن از آنها برای آنها مشکل باشد، لیکن اندیشمندان امت اسلامی لازم است بر منافع ملی جهان اسلام بیاندیشند و نگاهی به آفاق آینده جهان اسلام بیاندازند. آگاهان امور می‌دانند که هیچ دو کشور در دنیا مانند آلمان و فرانسه در طول تاریخ باهم عداوت نداشتند، این دو کشور بیش از ۶۰ بار در گذر تاریخ باهم جنگیدند، لیکن همگان می‌دانند که این دو کشور در حال حاضر جزئی از کشورهای محوری و موتور محرکه اتحادیه اروپا هستند. چرا؟ به خاطر وجود منافع مشترک و دشمن مشترک. چه می‌شد اگر مسلمانان چنین می‌کردند؟! در حالی که دین و آیین و اعتقاد مسلمانان این‌گونه تعامل را به عنوان یک تکلیف شرعی متوجه آنان نموده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. بروجردی، عبدالهادی، توسعه رابطه ایران و اعراب، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. تحدیيات الثقافة الاسلاميه.
۴. حبنکه میدانی، عبدالرحمن، اجنه المکر الثالث، دمشق، دارالقلم، ۱۹۳۵م.
۵. خالد، مصطفی؛ فروخ، عمر، التبشیر و الاستعمار، بیروت.
۶. صفوی، یحیی، وحدت جهان اسلام و چشم انداز آینده آن.